

وزیرکشور: گروه‌های سیاسی قانونی مجازند در محدوده قانون فعالیت کنند.

وزیرکشور، حجت‌الاسلام باقر نوری، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در شهر تبریز، شبه ۲۸ فروردین ماه جاری، اعلام کرد:

"گروه‌های سیاسی قانونی مجازند در محدوده قانون فعالیت کنند در این زمینه اصل لایحه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در مجلس، تصویب و آئین‌نامه‌های اجرایی آن نیز، در وزارت کشور تدوین یافته است که در آینده نزدیک منتشر می‌شود و احزاب و گروه‌های سیاسی می‌توانند پس از ثبت نام و اعلام نظر وزارت کشور، همچنان فعالیت کنند."

(اطلاعات، یکشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۶۱)
در پی تاکیدات مکرر امام خمینی و هشدارهای مسئولان رئیس‌جمهور خامنه‌ای، مبنی بر لزوم اجرای قانون و اصرار بر "قانون‌گرایی و عمل به قانون"، تعهدات وزیر کشور در زمینه مجاز بودن فعالیت گروه‌های سیاسی قانونی و رعایت اصل ۲۶ قانون اساسی و اجرای "قانون احزاب" مصوب مجلس شورای اسلامی، امدهای تازه‌ای را در محافل سیاسی مدافع انقلاب و پشتیبان خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی برانگیخته است.

با انتشار اطلاعیه ۱۵ ماده‌ای دادستانی، سازمان ما که یک سازمان سیاسی است که فعالیت در چهارچوب قانون اساسی را پذیرفته و بارها التزام خود را به آن اعلام کرده است بیدرنگ از آن استقبال کرد و همه تلاش خود را به کار بست تا تمام نیروهای سیاسی کشور پایبندی خود را به آن اعلام دارند.

اما جبهه متحد ضدانقلاب سازمان ما را، به جرم پشتیبانی از خط امام و دفاع از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "ارتجاع" خواند و تبلیغات گسترده‌ای را علیه رهبری سازمان، در جهت بی‌اعتبار کردن کمیته مرکزی ما به راه انداخت. تلاش صادقانه و انقلابی سازمان، برای استقرار حکومت قانون و بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه، خشم ضد انقلاب را علیه سازمان صدچندان ساخت. جبهه متحد ضد انقلاب، برای مرعوب ساختن و بازداشتن فدائیان خلق (اکثریت) از تلاش بیدریغ و فداکارانه در راه استقرار حکومت قانون، علیه ما دست به جنایت و ترور زد. میهنک باشکوه قانونی اول ماه مه سال ۱۳۶۰ در میدان آزادی به خون کشیده شد و در اجتماع بزرگ سازمان در شهر مهاباد که در دفاع از جمهوری اسلامی ایران برگزار شده بود، انفجار بمب موجب شهادت تنی چند از رفقای ما گردید.

جبهه متحد ضدانقلاب به این جنایات بسنده نکرد و از طریق عوامل و طرفداران خود در نهادهای دولتی و انقلابی، هم چون کشمیری‌ها، کلاهی‌ها، صادق‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌سدرها و... همه نیروی جهنمی خود را به کار گرفت و می‌گیرد، که در راه فعالیت قانونی سازمان خرابکاری کند. این خرابکاری اشکال گوناگون و متنوعی دارد، که تازه‌ترین آن، نشر اکاذیب و حملاتی مبنی بر انصراف سازمان از مشی دفاع از خط امام و جمهوری اسلامی ایران و التزام آن به قانون اساسی است. همه این تلاش‌ها یک هدف را دنبال می‌کند و آن تخریب اتحاد عمل هواداران سوسیالیسم علمی و پیروان صدیق خط امام، جلوگیری از فعالیت قانونی سازمان در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی است. دشمنان و مخالفان خط امام بدرستی می‌دانند که فعالیت افشاگرانه و آگاهی‌بخش سازمان ما، علیه آنان نقاب از چهره‌های پلیدشان برمی‌دارد و نقشه‌های آنان را در راه مسخ و براندازی جمهوری اسلامی با شکست و ناکامی روبرو می‌کند.

اخیراً علاوه بر تشدید خرابکاری‌های جبهه متحد ضدانقلاب، از سوی پاره‌ای از مقامات جمهوری اسلامی ایران تضيقات و محدودیت‌های تازه‌ای در راه فعالیت قانونی سازمان بوجود آمده

است. انتشار نشریه کار، ارگان سازمان ما با محدودیت‌های تازه‌های روبرو است. صدها تن که استوارترین مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانان پیگیر و پیدریغ خط امام خمینی هستند که زندگی خود را در این راه نهاده‌اند بخاطر هواداری از سازمان ما یا هواداری از حزب توده ایران، بدون اینکه حتی کمترین اتهامی بر آنان وارد باشد، تکلیف در زندان بسر می‌برند و نه تنها تا امروز هنوز از زندان آزاد نشده‌اند، بلکه بیش از یک ماه است که رفیق محمدرضا غبرایی عضو کمیته مرکزی و منقاصی ممتاز نشریه کار (اکثریت) به دادستانی انقلاب اسلامی تهران فراخوانده شده و بدون هیچ دلیل موجهی در بازداشت بسر می‌برد. کمیته مرکزی سازمان طی نامه‌ای که برای مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران ارسال داشته است ضمن اعتراض به این بازداشت، خواهان آزادی فوری رفیق غبرایی و ادامه انتشار نشریه کار - ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گردیده است.

اکنون که از سوی وزیر کشور بار دیگر تاکید شده است که "گروه‌های سیاسی قانونی مجازند در محدوده قانون فعالیت کنند" و اطلاع می‌دهند که در آینده نزدیک "آئین‌نامه‌های اجرایی قانون احزاب انتشار می‌یابد" و "احزاب و گروه‌های سیاسی می‌توانند پس از ثبت نام و اعلام نظر وزارت کشور، هم چنان فعالیت کنند" ما امیدواریم که اسناد سازمانی تسلیم شده به وزارت کشور، که همگی دال بر اعتقاد عمیق سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آماج‌های اساسی انقلاب بزرگ مردم ایران به رهبری امام خمینی است و خواست ما را دایر بر فعالیت آزاد سیاسی در چهارچوب قانون اساسی و التزام به آن اعلام و مورد تأیید قرار می‌دهد مورد بررسی قرار گیرد و تضییقات و محدودیت‌های زیانبار کنونی در زمینه فعالیت‌های قانونی سازمان ما هرچه زودتر برطرف گردد، تا انقلاب متحدتر، فشرده‌تر و نیرومندتر در راه تحقق آماج‌های اساسی خود و اجرای بدون خدشه قانون اساسی با گام‌های استوارتر راه سپارد.

تجربهای که باید از آن آموخت

تاریخ سه ساله انقلاب ایران و همه تاریخ ۴۰ ساله اخیر بارها اثبات کرده است که کسانی که رسالت خود را دامن‌زدن به دشمنی کین‌توزانه با اتحاد شوروی قرار داده‌اند، همه کسانی که بیشترین دروغ‌ها و نیت‌ها را به حزب توده ایران و در دهه اخیر به سازمان ما نسبت داده‌اند، و در این دروغ‌گویی و عوام‌فریبی انگشت‌نما بودند. بلااستثنا عامل و حارس امپریالیسم آزاب درآمده‌اند و با تا فرق سر در منجلاب ضدانقلاب و سرسپردگی به مرتجعین سقوط کرده‌اند.

یکشنبه ۲۲ فروردین دادگاه انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران با صدور اعلامیه‌ای اعلام نمود: "نوطه جاهلانه براندازی و تلاش مذبوحانه‌ای که از سوی تعدادی عناصر ضدانقلابی با ترکیبی از ملی‌گرایان و سلطنت‌طلبان و قدرت‌پرسان بی‌خطا (که البته خط‌همه آنان خط‌امریکاست) طراحی شده بود کشف و عوامل اصلی آن که آقای صادق قطب‌زاده یکی از افراد فعال آنها بود دستگیر شدند"

نوطه‌گران قصد داشته‌اند برای رسیدن به اسباب پلید و جنایت‌بار خود نخست امام و شورای عالی دفاع را از میان بردارند و سپس با تظاهر به خونخواهی امام و سایر رهبران جمهوری اسلامی ایران، سرکوب خون‌نیزوهای مدافع انقلاب اعم از مسلمانان انقلابی و پیروان اصیل سوسیالیسم علمی را سازمان دهند تا اسلام امریکایی از نوع عربستان سعودی و جمهوری اسلامی مطلوب امریکا از آن قبیل که ضالحق در پاکستان مدافع آن است - جایگزین جمهوری اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی خط‌امام خمینی گردد.

اینکه عنصر معلوم‌الحال چون قطب‌زاده از عوامل موثر چنین نوطه‌ای بوده است هیچ جای تعجب نیست.

در جریان انقلاب برخی از عناصر موفق شدند با تظاهر به دفاع از انقلاب و با استفاده از خوشبینی و اغماض بی‌حد و حصر رهبران انقلاب بسیاری از مقامات حساس را در جمهوری اسلامی ایران قیسه نمایند. از همان هنگام ورود این افراد به ایران سازمان ما و برخی دیگر از نیروهای مدافع انقلاب در مورد ماهیت افرادی چون قطب‌زاده، امرانتظام، بزیدی و نظایر آنها که با ماموریت از جانب اربابان امریکایی خود به ایران آمده بودند، بارها هشدار دادند. "نامردم" ارکان مرکزی حزب توده ایران با قاطعیت و صراحت بسیار، ماهیت این شارلاتان امریکایی را از همان آغاز، بگمراغه افشا نمود. و ایستادن سرگشته‌نایدنسر است که نوطه‌چینی عمال - امین - نعوذی امریکا که قطب‌زاده‌ها و دیگر هم‌مالکی‌هایشان در زمره ایشانند، در سبب صدای هشداردهنده و حق‌گویانه نامردم، و تعطیل نشریه ما تأثیر و نقش درجه اول داشته است.

صادق قطب‌زاده هنگامی که در موضع ریاست صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران قرار داشت از هر طریق و با استفاده از هوش‌پایانه از یک طرف می‌کوشید با شاه‌چهره‌برانگیزی و دروغ‌پردازی‌های وقیحانه علیه توده‌های وفاداران، خود را به نیروهای ساده‌اندیش فریب‌خورده که زهر تبلیغات ضدکمونستی امپریالیسم در آنها تاثیر کرده بود، نزدیک کند و از طرف دیگر نیروهای انقلابی را علیه یکدیگر تحریک نموده و از نزدیکی مسلمانان انقلابی پیرو خط‌امام و پیروان اصیل سوسیالیسم علمی که صادقاته از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنند، جلوگیری کند. کارزار پنهان و افتراپی که وی در مقام ریاست صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران علیه حزب توده ایران براه انداخت و دروغ‌های ناخاداری که علیه سازمان ما بهم می‌یافت، مشهورتر از آن است که از خاطرها رفته بسازند. قطب‌زاده در

مقام وزارت امور خارجه به عنوان مجری رهنمودهای برزیسکی بیشترین تلاش را بکار برد تا مانع برقراری مناسبات دوستانه همکاری بین جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مترقی عضو جبهه پایداری و سایر کشورها و نیروهای انقلابی و ترغیب‌خواه در جهان شود. در این زمینه بخصوص بیشترین تلاش قطب‌زاده این بود که میان جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی که قاطعانه از انقلاب ایران دفاع می‌کنند ایجاد دشمنی نماید و در مقابل رژیم‌های مرتجع وابسته به امپریالیسم را تحت عنوان کشورهای اسلامی، دوست جمهوری اسلامی ایران معرفی کند. افشا، نوطه کودتا، و دستگیری صادق قطب‌زاده به عنوان سردهسته کودتاگران، برای چندمین بار با سرخشی تمام، این واقعت را اثبات نمود که دشمنان دوستی و همکاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورها و جنبش‌های انقلابی و کسانی که در داخل سیاست نفاق‌انگیزی میان مسلمانان انقلابی و پیروان اصیل سوسیالیسم

علمی را دنبال می‌کنند جز دشمنان کینه‌توز انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیستند. همچنین این جریان بانگ این واقعت نیز هست که وجود تنگ‌نگی و انحصارطلبی در میان پارامی از مقامات جمهوری اسلامی ایران و وجود پيشداوری‌ها و سرداخت‌های کاملاً اشتباه‌آمیز نسبت به پیروان سوسیالیسم علمی چگونگی راه را برای خوشبینی و اغماض نسبت به اعمال قطب‌زاده‌ها باز می‌کند. چنین گرایش‌های ناسالمی برغم تجربیات بسیار سرخست و دردناکی که قاطعاً هم‌زبون آن را اثبات کرده است در میان رهبران مسئولین جمهوری اسلامی ایران هم‌اکنون نیز به‌گونه‌ای باز وجود دارد.

تاکنک شناخته‌شده و صدبار آرموده‌تفانه‌های امپریالیسم آن است که مهره‌های خود را در دستگاه حکومتی تحت پوشش اسلامی با هر پوشش دیگری که مقبول باشد نفوذ دهند. آنها را به تدریج بالا بکشند تا در لحظه مناسب بتوانند یک سادات با یک خبیث‌الله امین را به کشور ما تحصیل کنند. آنها وقتی که سطح آگاهی و شناخت مدافعان راستین انقلاب را از دوستان و دشمنان انقلاب، ناچیز و مخدوش می‌یابند خود را هم‌رنگ جماعت می‌کنند خود را مسلمان دوازدهمی و مقدس‌مات جا می‌زنند و به نوطه‌سپهانی علیه انقلاب و مردم روی می‌آورند.

با انجمنه علاوه بر آموختنی‌های عبرت‌آموز نوطه اخیر که از دهها نوطه تاکنون برپا شده، می‌توان همانند آنها را کماش باد گرفت، در این نوطه درس‌های تازه دیگری نیز وجود دارد که همه نیروهای انقلابی و هم‌پزه مسئولین امر باید نسبت به آنها با تامل فراوان برخورد نمایند.

نخستین درس‌های این نکته است که امریکا هر لحظه علیه انقلاب ما در کار نوطه و جنایت است در نوطه‌های براندازی امریکانام آنهاست که از انقلاب سلی‌خورده‌اند، چه آنان که با پروزی انقلاب در بهمن ۵۷ سلی خوردند و چه آنان که در مراحل بعدی تصبیق انقلاب، چهره واقعی‌شان افشا شد و طرد گردیدند. همه آنها دست در دست هم در یک جبهه براندازی متشده و متحد شدند. دشمنان انقلاب را با این کساری نسبت که این بیان فرد و این یا آن جریان بیروکدام مسلک یا مذهب هستند؟ ناسلماندان یا روحانی‌نمای خبیث مقدس‌مات؟ ژست "چپ" بی‌حد می‌گیرند یا صراحتاً از نظام ستم‌شاهی دفاع می‌کنند؟ "مدافع حقوق" فلان اقلیت ملی هستند یا حامی بهمان مذهب و نژاد؟ و اصولاً چیزی هم پای‌بند هستند یا نه؟ خیر! برای دشمنان انقلاب، شرط حضور در جبهه متحد ضدانقلاب، مخالفت با دستاوردهای انقلاب و حکومت برخاسته از دل این انقلاب است! این درس‌های است که باید از نیرهای انقلاب از ضدانقلاب بیاموزند! باید آموخت که چگونه باید منافع و مصالح انقلاب به رهبری اصمام خمینی را اساس قرار داد و همه، اعم از پیروان راستین خط‌امام و پیروان صدیق سوسیالیسم علمی که بهترین مدافعان خط‌امامند، می‌توانند و باید که با حفظ معتقدات مذهبی و فلسفی خود، متحد شوند و دشمن را قاطعانه سرکوب نمایند. و براسی تولىسوی چه زجا گفته است که:

"حال که نیروهای شو بیگی هستند، چرا نباید نیروهای خیر یکی گردند؟"

نکته دوم: نوطه‌گران بر آن بودند که جمهوری اسلامی مطلوب امریکا را سرکار بیاورند! به دیگر سخن خود را مقدس‌مات واز پیروان "واقعی" امام بنمایانند و حکومت امریکایشان را ادامه حکومت خط‌امام جا بزنند! اگرچه این شرکد بودنیانه قبلاً به شکل داهیانگی توسط اصمام خمینی و دیگر نیروهای انقلابی بارها افشا شده است و گرچه از آن به عنوان خطری مهلک که از سوی نیروهای برانداز و مسخ‌کننده انقلاب، جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند بارها سخن به میان آمده است، اما، واقعتاً نشان می‌دهند که این خطر همچنان بر بالای سر جمهوری در پرواز است! و نا زمانه‌ای که جمهوری اسلامی مملکت شخصی دوست از دشمن را، پای‌بندی به آماج‌های اساسی انقلاب و مبارزه در راه آن قرار ندهد، نتوانستن قاطع و بنیادی به سود مستضعفان را به اجرا درنیاورد، حقوق مدگرانیک و آزادی‌های سیاسی مصرحه در قانون اساسی را به مرحله عمل نرساند و ژرفش بیشتری را در حصلت ضدامپریالیستی و استقلال‌طلبانه‌اش ایجاد نکند و به عبارت دیگر بین جمهوری اسلامی مطلوب اصمام خمینی و پیروان صدیق آن با جمهوری اسلامی نوع امریکایی و مسخ‌شده، خطی بررنگ، خطی پایدار و خطی که در ذهن توده‌های میلیونی چپو پابرجا بنشیند، کشیده نشود، این خطر باز همچنان باقی است و همچنان بر بالای سر جمهوری اسلامی در پرواز خواهد بود. آنچه که گفتیم درس‌هایی است که باید از نوطه اخیر آموخت غیر نوطه براندازی به رهبری قطب‌زاده تازاست و هنوز هم بسیاری از جهات آن ناروشن و اعلام‌نشده، و بی‌تردید در

روزهای آینده، مطالب ارزشمند دیگری روشن خواهد شد که سودجستنی از این درس‌ها و تجارب، بیشک می‌تواند آسیب‌پذیری انقلاب ما را جدا گاهش دهد و در صورتی که به همه این تجارب، بی‌خدشه و کامل عمل شود و به درس‌های آن وفاداری نشان داده شود و بدان عمل گردد، آنگاه انقلاب از چنان قدرتی برخوردار خواهد گردید که بتواند برای همیشه گزندناپذیر بماند از این رو، بر همه ماست که بر آموختن این درس‌ها تاکید بورزیم و همه پیروان راستین خط امام را به سودجستنی از این آموزش‌های گرانبها فراخوانیم، باید بطور خستگی‌ناپذیر، روشنگری کنیم تا مردم ما بهتر بدانند که نه قطب‌زاده‌های افشانشده دیگر، قطب‌زاده‌هایی که حایه‌های مختلف بر تن کرده‌اند، کم هستند و نه حرمانات و محافل و انجمن‌های متحد طبیعی او و آربابانش اندکند، پس در هر جایی که هستیم از گفتن باز نمانیم که باید بهوش باشیم و متحد گردیم تا قاطع و استوار، انقلاب را از آسیب امریکا و همه اذنبان آن مصون داریم

با فرارسیدن ۲۲ فروردین مهلت دو ماهه امام، که در پیام سالگرد انقلاب برای عفو عده چشمگیری از زندانیان اعلام کرده بودند به پایان رسید. امام با تأکیدات مکرر در پیام ۲۲ بهمن و سپس با به حضور بذرفتن فوق‌العاده رئیس‌جمهور، رئیس شورای عالی قضایی، رئیس مجلس و نخست‌وزیر در روزهایی که ملاقات‌های ایشان متوقف بود تصریح کردند و گوشزد کردند که مسئولین "در تهیه لیست عفو سخت‌گیری ننمایند و هرچه بیشتر کوشش نمایند تا زندانیان به مردم مزج ما ملحق شده و همگام با آنان راه انقلاب اسلامی را بپیمایند."

از قبل هم مشخص بود که با صدور این فرمان، انقلابیون راستین پیرو امام در جمهوری اسلامی ایران در مبارزهای حاد و پرتلاطم با نیروهایی که به بهانه‌های مختلف می‌خواهند ننگدارند این فرمان چنانکه باید اجرا شود درگیر خواهند شد. مروری بر دو ماهه اخیر و ارزیابی نتایج آن نشان می‌دهد که نگرانی امام از اینکه مبادا دست‌هایی مانع از آزادی زندانیانی شود که همگام با مردم راه انقلاب و دفاع از جمهوری اسلامی ایران را می‌پیمایند، بهبود یافته است. اکنون سی‌ام فروردین است و هنوز این مبارزه، لااقل در تهران، به سود خطرناکس و روش‌بین اصم‌خمینسی به سر نرفته است. و نه تنها عده‌ای چشمگیر از زندانیان دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب هنوز عفو نشده‌اند بلکه هنوز اعلام نشده است که آیا بخش‌نامه‌ی رئیس شورای عالی قضایی، به پیروی از فرمان ۲۲ بهمن امام، مبنی بر تعیین تکلیف همه زندانیان بلا تکلیف دادستانی‌های انقلاب تا ۲۲ فروردین اجرا شده است یا نه؟

زندان‌های ایران هنوز انباشته از هزاران فریب‌خورده است که به علت همکاری با گروهک‌ها دستگیر شده‌اند. پتک واقعات و روشنگری فعالانه نیروهای راستین مدافع انقلاب، بنا به تأیید دادستان کل انقلاب، اکثریت این افراد را به‌دادر کرده است و آنان را به شناخت درست نسبت به ماهیت جمهوری اسلامی ایران و خط‌انقلابی رهبری آن واقف ساخته است. علاوه بر این، عده‌ای از پیگیرترین باران انقلاب که با همه توان علیه امپریالیسم در راه شکوفایی جمهوری اسلامی ایران مبارزه می‌کنند و از فداکارترین پشتیبانان خط امام و حاکمیت انقلابی آن هستند نیز در زندان بسر می‌برند که عموماً اکثریتی و توده‌ای هستند.

در این میان تنها گروه اندکی از عوامل رژیم سابق، کودتاچی‌ها، ساواکی‌ها و دیگر عمال امپریالیسم و ضدانقلاب که به علت دشمنی آشکار با منافع خلق و اهداف انقلاب دستگیر شده‌اند و قانوناً و به حق باید کثیر اعمال پلیس خود را ببینند در زندان بسر می‌برند. وجود این ترکیب‌بگلی متضاد در زندانها و عدم اجرای فرمان امام مبنی بر عفو عده‌ای چشمگیر از کسانی که می‌کوشند و می‌خواهند به آغوش انقلاب بازگردند قبل از همه نشانه آنست که جمهوری اسلامی ما هنوز تا اجرای کامل وی‌بی‌خده قانون و حاکمیت بلا تنازع خط امام در تمامی عرصه‌ها باید راهی صعب را بپیماید.

ساده‌اندیشی است تصور شود که عزل لیبرال‌ها به معنای حاکمیت خدشه‌ناپذیر خط امام و ضامن پیشرفت امور در مسیری است که امام خمینسی مورد تأکید قرار می‌دهد. ما هنوز از استقرار بی‌خدشه قانون فاصله زیادی داریم. سیاست‌آکید امام خمینسی آن بوده و هست که اگر سازمان‌ها و احزاب علیه جمهوری اسلامی ایران مسلحانه قیام نکنند و قانون اساسی را بیدرند کسی نباید مانع فعالیت آنها شود. این احزاب و سازمانها از تعرض مصون خواهند بود. قانون اساسی و اطلاعیه ۱۵ ماده‌ای دادستانی انقلاب و حتی قانون بسیار محدودکننده احزاب نیز صراحتاً "همین را می‌گویند، اما به علت نفوذ گسترده عناصر ضدقانون، اغتشاشگر و عناصر نفوذی ضدانقلاب و توطئه‌گر مثل کلاه‌ها و کشمیری‌ها نه تنها این خواست و سیاست صریح

امام و این مفاد قانون اساسی و اطلاعات ده ماده‌ای توسط بسیاری از مقامات دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب رعایت نمی‌شود بلکه در برخی موارد رفتار با توده‌های ما و اکثریت - این مدافعان پیگیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - به مراتب کینه‌توزانه‌تر و دشمنانه‌تر از کودتاجی‌ها و نوظهوران و تروریست‌های سیاسی و اقتصادی است.

برخی از دوستان ما تصور غلطی از اوضاع دارند. آنها فکر می‌کنند غلبه خط امام بر خط لیبرالیسم به معنای آنست که از آن به بعد طبیعتاً باید هر آنچه خط امام اراده کند در عمل همان پیاده شود. در حالیکه واقعیت همیشه اینطور نیست. در هر سه زمینه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی همچنان حادث‌ترین مبارزات میان خط انقلابی اصل امام خمینی و مخالفان پنهان و آشکار آن جریان دارد. که کشمکش بر سر عفو زندانیانی که می‌توان آنها را عفو کرد یا دستگیری تمام انقلابیونی که به پنهان "حزب‌الله" نبودن "باید" آنها را دستگیر و حتی اعدام کرد یک نمونه آنست.

سنگ‌اندازی در راه سرجمهوری اسلامی ایران بسوی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، در راه غلبه همه جانبه خط انقلابی واقعی امام نه تنها ناچیز نیست بلکه هرروز تلاش بیشتری می‌شود که از پیشرفت این خط و استقرار همه جانبه حاکمیت آن جلوگیری شود. میدان این تلاش‌ها فقط به مسأله آزادی‌های دمکراتیک محدود نمی‌شود این مبارزه تمام عرصه‌های مبارک انقلابی را در بر می‌گیرد.

برای نمونه کافیست اشاره کنیم علیرغم هشدار امام در اینباره که عده‌ای شوروی را مطرح می‌کردند که امریکا منسی شود، و تاکید ایشان بر این که همه قلم‌ها و مسلسل‌ها را باید به سوی امریکا و جنایتکار نشانه رفت. علیرغم نظر صریح آیت‌الله منتظری، علیرغم نظر روشن رئیس جمهوری و رئیس مجلس و رئیس دولت و مخالفت ایشان با مطرح کردن اتحاد شوروی در کنار امریکا و دامن زدن به دشمنی با کشورهای سوسیالیستی، باز هم شاهد آن هستیم که مخالفان این خط، یعنی کسانی که می‌خواهند جهت مبارزه مردم از سوی امریکا و اسرائیل و عمالش منحرف شود و به سوی افغانستان و شوروی بچرخد آنقدر نفوذ دارند که موفق می‌شوند روز ۲۲ بهمن برجسم شوروی را در مراسم جشن میدان آزادی پهن کنند و از روی آن رژه بگیرند و عکس آن را هم فردای آن روز در روزنامه جمهوری اسلامی یعنی ارگان حزبی که رئیس جمهور، رئیس مجلس و رئیس دولت از رهبران آن هستند به چاپ رسانند و نشان دهند که می‌توانند حرف و سیاست رهبران اصلی جمهوری اسلامی ایران را نگذمال کنند و رسماً "سیاست خودشان را اجرا کنند. کاری که رئیس مجلس آن را "کار ستون پنجم دشمن که همگی شناخته شده‌اند" می‌نامد. واقعا "مسأله شوخی نیست. مسلم است که این اقدامات نمی‌تواند فقط کار یک، دو یا حداکثر چند نفر عناصر نفوذی چهره پنهان کرده باشد. واقعا "جریانی در کار است که با شعار مرگ بر امریکا موافق نیست، از مرگ بر اسرائیل می‌ترسد. جریانی که از مرگ بر شوروی احساس آرامی و از مرگ بر امریکا احساس نگرانی می‌کند و مفرضانه اینطور وانمود می‌کند که گویا اولی "شعار مسلمان‌ها" و دومی "شعار کمونیست‌ها" است.

در زمینه سایل مربوط به عدالت اجتماعی و براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری وضع همین‌طور است. مسأله اصلاً اینطور نیست که هرچه نظر ورای مخالفان فتوادل‌ها و سرمایه‌داران باشد پیش برود. و مقاومت عنودانه کسانی که زبرپوشش دفاع از شرع، هم از فتوادل‌ها طرفداری می‌کنند هم از سرمایه‌داران زالو صفت آنقدر ناچیز باشد که طرفداران صدیق حرکت به سوی عدالت اجتماعی هرقانونی را که بخواهند بگذرانند. مبارزه در این عرصه هم، حاد و از قضا بسیار حاد است. همه شاهد هستیم که چگونه لوایح احیا و واگذاری اراضی، دولتی کردن بازرگانی خارجی، منع خرید و فروش اراضی موات شهری، توقف اجرای احکام تخلیه املاک مورد اجاره و اخیراً طرح مالک و مستاجر و هرقانونی که تصویب آن به این شکل یا به آن شکل به نفع محرومان تمام شود یا سرمایه‌داران، حادث‌ترین اختلاف نظرها را در مجلس شورای اسلامی و در تمام جمهوری اسلامی ایران پدید می‌آورد. نفوذ عناصر محافظه‌کار، دخالت عناصری که هم طرفدار فتوادل هستند هم طرفدار سرمایه‌دار هنوز تا حدی است که در برخی موارد عملاً موفق می‌شوند جلوی اجرای قوانین مترقی را بگیرند، یا آن را به سود بالای شهری‌ها تمام کنند و یا از سرو گوش آن بزنند و تا آنجا که بتوانند خصلت مردمی و ضد سرمایه‌داری آن را بتراشند.

نمونه فرمان عفو امام خمینی و تاکیدات اکید ایشان در مورد عفو عده چشمگیری از کسانی که می‌توان آنان را عفو کرد و مقاومت سرسختانه‌ای که به اشکال مختلف در برابر آن صورت گرفت نمونه دیگری است از بفرنجی‌ها و ناهمگونی‌هایی که در عمل، در زمینه رعایت اکید قانون و حقوق و آزادی‌های مصرحه

در قانون اساسی به چشم می خورد، نمونه دیگر مبارزه حادی است که در زمینه پدرش دانشجو در دانشگاه‌ها به چشم می خورد. اما حق تحصیل برای همه اتباع کشور باید به رسمیت شناخته شود با این حق فقط باید خواص را شامل شود. درگیری حساد بازرسی کل کشور با آموزش و پرورش در زمینه قانونیت حکم تعلیق معلمان و سایر مستخدمانی که بطور غیرقانونی منتظر خدمت شده‌اند نمونه دیگری از مبارزه حادی است که در همین عرصه در جریان است. نفوذ نیروهای شکوک و مخالف خط امام در آموزش و پرورش کشور تا بدان پایه است که هم اکنون فضای آموزشگاه‌ها و مدارس کشور آکنده از تعش عفا، نرس و تمکین و تسلیم است. این عجزی‌ها و وظائف دشوار و مسئولیت‌های سنگینی را از ما می طلبد. پیشبرد یک مبارزه فعال، پیگیرانه و تا به آخر، در مقابل نیروهای بازدارنده‌ای که در تمام عرصه‌ها می خواهند نگذارند قوانینی مترقی تصویب و اجرا شوند، نیروهایی که با تمام قوا می خواهند نگذارند بر پرچم انقلاب نوشته بنامد مرگ بر امریکا - مرگ بر اسرائیل، نیروهایی که خودگامه هستند و به هیچ وجه نمی خواهند و نمی توانند خود را با قانون و جمهوری اسلامی ایران تطبیق دهند و ضوابط آن را بپذیرند، قبل از همه، وظیفه انقلابی ما پیگیرترین مدافعان خط مردمی و ضدامپریالیستی اصنام خمینیسی است. فقط با تشدید حمایت فعال از همه نیروهای راستین مردمی و ضدامپریالیستی جمهوری اسلامی، با پیشبرد یک مبارزه فعال، پیگیرانه تا به آخر، علیه خط پنهان و آشکار امریکا، علیه خط پنهان و آشکار نفاق، خودگامگی و قانون شکنی و آزادی کشی است که قادر خواهیم شد اهداف مردمی و انقلابی انقلاب و مفاد مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تحقق بخشیم و شرایطی پدید آوریم که دیگر فرمان‌های انقلاب و رهبری آن سان فرمان عفو عده‌ای چشمگیر از کسانی که می توان آنان را عفو کرد این چنین در عمل با کار شکنی و خودگامگی آنان که ضرورت انقلاب را درک نمی کنند و با عا مددا کار شکنی می کنند مواجه نشود.

وزیر امور خارجه یمن دمکراتیک :

" پیروزی شما پیروزی ماست "

سفر عالم صالح محمد وزیر خارجه یمن دمکراتیک ،
بیشروترین کشور عضو جبهه یایداری به میهنمان ، رویداد پسر
اهمیت دو هفته اخیر در عرصه سیاست خارجی بود. این سفر که
به دعوت رسمی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران صورت
گرفت نشان تحکیم دوستی روزافزون جمهوری اسلامی ایران با
جبهه یایداری است و یگانگی ها و پیوندهای عمیق انقلاب بزرگ
مردم ما را با جبهه جهانی ضدامپریالیستی آشکار و آشکارتر
ساخته است

رئیس مجلس آقای هاشمی رفسنجانی در دیدار با سالم صالح محمد خاطرنشان ساخت :
" این دیدارها باید زودتر از این انجام می شد ، زیرا طبقا پس از اعلام جمهوری اسلامی در ایران ، به علت مواضع مشترک فراوان و مسلمان بودن مردم دو کشور ، باید خیلی زودتر با یکدیگر نزدیک و آشنا می شدیم " وی افزود :

" مواضعی که شما اعلام کردید از گذشته تا امروز ما همیشه نسبت به آن احساس نزدیکی می کردیم " سخنان آقای رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران گزارش پیروزی های بزرگی است که انقلاب در مسیر نزدیکی جمهوری اسلامی با جبهه پایداری بدست آورده است . پیروزی هایی که مردم ما با رهبری قاطع امام خمینی و با تلاش خستگی ناپذیر پیروان صدیق خط امام و همه مدافعان تثبیت و تعمیق انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران با بزرگشیدن دولت موقت و افشای خط سازش و درهم شکستن توطئه امریکایی بنی صدر و یاران او ، به بهای جان های عزیز و خونهای پاک صدها رحل انقلابی و هزاران رزمنده راه استقلال و آزادی میهن بکف آورد و تا بدین پایه آن را تثبیت نمود .
آقای سالم صالح محمد در دیدار با رئیس جمهور و وزیر امور خارجه در سخنانی کوتاه ، اما فوق العاده عمیق و گویا ، پیوندهای دولت و مردم خود را با انقلاب مردم میهنان چنین توصیف کرد :

" پیروزی شما پیروزی ماست و هر مشکلی که دشمنان برای ضربه زدن به انقلاب و محدود کردن شما برایمان بوجود بیاورند برای ما نیز بوجود می آید و موجب محدودیت ما هم می شود .
این سخنان سالم صالح محمد وزیر خارجه بین دمکراتیک بیان یک حقیقت بزرگ و قانونمندی سترگ انقلاب های رهاشیکش در دوران ماست . هر مبارزه با امپریالیسم امریکا سرکرده امپریالیسم جهانی و دشمن اصلی خلقهای جهان با هر توان و در مقیاس هر اندازه محدودی که صورت گیرد ، در مقیاس بین المللی است و باید در گستره تاثیرات جهانی آن ارزش گذاری شود . هر پیشرفت در انقلاب ما و هر پیروزی تازه ای که مردم ما در مبارزه با امریکای جنایتکار بدست می آورند گامی است که بشریت در مقیاس جهانی ، در راه پیشرفت و به سوی کسب استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی برمی دارد . پیروزی های مردم ایران بر امریکای جنایتکار ، نه تنها پیروزی مردم بین بلکه پیروزی خلقهای سراسر جهان در اثراشته تر نگهداشتن پرچم صلح ، استقلال ، دمکراسی و سوسیالیسم است .

این حقیقت بزرگ سرچشمه جوانان اتحاد خلقهای سراسر جهان و گردان های رزمنده آنان علیه دشمن مشترک ، امپریالیسم جهانی سرکردگی امریکای جنایتکار و نقطه اتصال جنبش های رهاشیکش و دولت های ضد امپریالیست ، جنبش انقلابی کارگری در کشورهای امپریالیستی و اردوی نیرومند کشورهای سوسیالیستی است که جبهه جهانی ضد امپریالیستی را تشکیل می دهند .

تحکیم رشته های دوستی و مودت جمهوری اسلامی ایران با جمهوری دمکراتیک یمن گام بلندی در مسیر شکوفایی جمهوری اسلامی ایران است و جبهه ضد امپریالیست و ضد صهیونیستی خلقهای منطقه را نیرومندتر و برتوان تر می کند .

از جمله دستاوردهای این سفر پرافتخار است ، یک یادداشت تفاهیم بین دو کشور بود . براساس توافق طرفین ، همکاری های برادرانه دو کشور در تمام زمینه های سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی در راستای تأمین همه جانبه استقلال دو کشور و نیرومندتر ساختن مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلقهای منطقه گسترش می یابد .

جای خوشوقتی است که در پی تاسیس سفارت خانه های دو کشور آقای صالح الحمزه به عنوان نخستین سفیر یمن دمکراتیک در تهران مشغول بکار شد ، متأسفانه روابط جمهوری اسلامی ایران با تمام دولت های دوست و مدافع انقلاب ، بزرگ مردم ما تا به این سطح ارتقاء نیافته است . هنوز کشورهایی نظیر ویتنام در میهن ما سفارتخانه و سفیر ندارند و دولت جمهوری اسلامی تاکنون نتوانسته است سیاست نادرست خود را در مورد کامبوج و افغانستان تصحیح کند . امیدواریم تحکیم پیوند دوستی ایران با یمن دمکراتیک سرآغازی باشد برای برداشتن گام های استوارتری در راه زدودن تناقضات و نارسایی هایی که هنوز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پابرجاست .

بدنیال انفجار بمب در مسجدالاقصی که براساس گزارش خیرگزاری ها از سوی یک صهیونیست امریکایی تیار صورت گرفت ، موج مبارزات مردم محروم فلسطین به ویژه در نواحی اشغالی کرانه غربی رود اردن و نوار غزه گسترش تازه ای یافت . بدنیال این انفجار ، گروهی از فلسطینیان دست به تظاهرات اعتراض آمیز زدند که از سوی سران رژیم صهیونیستی اسرائیل با رگبار مسلسل پاسخ داده شد که دهها تن از مبارزان فلسطینی محروم و به شهادت رسیدند . کشتار مردم بی دفاع فلسطین که برای آزادی سرزمین اجدادیشان با اشغالگران صهیونیست و حامیان امپریالیست و مرتجع آنان ، می رزمند خشم و اعتراض وسیع خلقهای جهان و به ویژه منطقه را علیه آدمکشان صهیونیست و حامی بزرگ آنان ، امپریالیسم امریکا که شریک و هدایت کننده این جنایات است برانگیخت . تظاهرات و اعتصابات ابعاد گسترده ای یافت .

دولت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مبارزات مردم فلسطین و اعتراض به جنایات صهیونیسم و امپریالیسم تعطیل عمومی اعلام کرد و طی یک راهپیمایی پرشکوه که از سوی همه نیروهای مدافع انقلاب از جمله سازمان ما مورد پشتیبانی و استقبال قرار گرفت ، میلیونها تن در سراسر میهن انقلابیمان به خیابان ها ریختند و با تظاهرات گوینده و شعارهای رزم جویانه شان پشتیبانی قاطع خود را از خلق محروم فلسطین در مبارزه با صهیونیسم اشغالگر و حامی آن امپریالیسم جنایتکار امریکا اعلام داشتند .

مبارزات خلق فلسطین برای آزادی سرزمین اشغالی ، اکنون با موج سرومند جنبش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلقهای منطقه و با پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران در رشد و اعتلای تازه ای است . سازمان آزادیبخش فلسطین که تنها نماینده خلق فلسطین و رهبر مبارزات آنان علیه اشغالگران صهیونیست و حامیان امپریالیست آن است ، اکنون بیش از هر زمانی از سوی رژیم صهیونیستی و امپریالیست های حامی آن ، آماج سورش وحشیانه است . اعضاء و هواداران این سازمان به ویژه در نواحی اشغالی تحت وحشیانه ترین پیگردها و شکنجه ها قرار دارند و سیاست ترور جنایتکارانه علیه آنان و رهبران شان وسیع بکار گرفته می شود .

آنچنان که وزیر خارجه کشور مادر اجلاس کنفرانس غیرمتعهد ها در کویت تاکید کرد :

شکلی رژیم منجاوز صهیونیستی و آواره کردن میلیونها فلسطینی مسلمان و سپس حمایت هرچه بیشتر از این رژیم در جهت غصب سرزمین های بیشتر و سرکوب مسلمانان منطقه تنها با موافقت قبلی و حمایت بی دریغ و همه جانبه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا بوده است .

رژیم صهیونیستی اسرائیل که زاندارم امپریالیسم امریکا در منطقه است نه تنها کوچکترین حقی برای خلق فلسطین در سرزمین های اشغالی قائل نیست ، بلکه با پشتیبانی امپریالیسم سیاست تجاوز و اشغال سرزمین ها را بیش از پیش در دستور خود قرار داده است . صهیونیست های اسرائیل پس از الحاق بلندی های جولان برای اعلام نهای الحاق کرانه غربی رود اردن و نوار غزه اکنون تدارکات و تمهیدات گسترده ای را سازمان می دهند . گسترش تجاوز به سرزمین های جنوبی لبنان ، کشتار فلسطینیان مقیم در اردوگاهها و بمباران مناطق فلسطینی نشین لبنان ، ترور جنایتکارانه و رو به تزاید رهبران و فعالین سازمان آزادیبخش فلسطین که استوار و خردمندانه در راه کسب حقوق حقه خلق فلسطین ، سالیان درازی است که می رزمند در شمار این تمهیدات جنایتکارانه است .

رژیم صهیونیستی اسرائیل علاوه بر حمایت امریکا از پشتیبانی آشکار و پنهان رژیم های ارتجاعی عرب نیز برخوردار است . این رژیم های ارتجاعی در راستای حفظ و پاسداری منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا ، سیاست تضعیف سازمان آزادیبخش فلسطین ، تفرقه افکنی در صفوف مبارزان ضد امپریالیست و ضد صهیونیست و سرکوب جنبش های استقلال طلبانه خلقهای منطقه را تعقیب می کنند .

جنبه رژیم های ارتجاعی در منطقه که از سوی امریکا هدایت و رهبری می شود ، با برآمدن جار و جنجال های تبلیغاتی در حرف و دم از پشتیبانی از خلق فلسطین می زنند و در عمل موزانه علیه خلق فلسطین از منافع رژیم صهیونیستی اسرائیل و امپریالیسم امریکا جانبداری کرده برای حفظ و پاسداری منافع آنان علیه خلق فلسطین و خلق های خود و دیگر خلقهای منطقه دست به کشتار و جنایت می زنند .

خیانت این رژیم ها به آرمان خلق فلسطین و جنایت علیه

خلفهای منطقه در پاسداری از منافع امپریالیسم و صهیونیسم در اشکال متنوعی صورت می‌گیرد. قرارداد خائنانه کمپدییوید از سوی رژیم امریکایی مصر امضاء می‌شود. طرح فهد از سوی رژیم عربستان علم می‌شود، فلسطینی‌ها در حاشیه اردن توسط حسن اردنی قتل‌عام می‌شوند، جنگ امریکایی صدام علیه انقلاب ایران براف می‌افتد و به مردم ما تحمیل می‌گردد و در تمامی کشورهایی که رژیم‌های ارتجاعی عرب میلطانت سیاست سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی وسیعاً اعمال می‌گردد و

با انهمه مبارزات خلق قهرمان فلسطین برهبری سازمان آزادیبخش فلسطین همچنان روبه تحکیم و گسترش است، پیوسته‌روزی انقلاب ایران و افغانستان که جنبه نیروهای ضد امپریالیست و ضد صهیونیست را پرتوان ساخته است اکنون پشتوانه نیرومندی برای خلق فلسطین در مبارزه علیه اشغالگران صهیونیست بوجود آورده است. جنبش آزادیبخش خلق فلسطین هر روز گسترش توده‌ای وسیع‌تری می‌یابد و چشم‌اندازهای امیدوارکننده‌تری در راه تامین حقوق حقه آنان در افق دیدگان خلق فلسطین گشوده می‌شود.

پشتیبانی قاطع جمهوری اسلامی ایران از جنبه پایداری، جنبش خلق فلسطین را استواری و توان تازه‌ای بخشیده است. راهپیمایی عظیم و ملیونی مردم قهرمان ما در روز چهارشنبه ۲۵ فروردین ماه ۶۱، نشان داد که انقلاب فلسطین به پشتوانه نیرومند و پرتوان انقلاب ایران در راه پیروزی بر اشغالگران صهیونیست و حامیان امپریالیست و مرتجع آن به عالی‌ترین صورتش مستظهر است.

فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پشتیبانی قاطع از مبارزات خلق فلسطین و اظهار انزجار نسبت به جنایات رژیم صهیونیستی اسرائیل و حامیان آن در راهپیمایی روز چهارشنبه ۲۵ فروردین شرکت کردند. این شرکت در پی اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان که همه نیروها را به شرکت در راهپیمایی و پشتیبانی از مبارزات خلق فلسطین فرا خواند، صورت گرفت. متن اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان که برای رسانه‌های گروهی کشور ارسال شده بود، ولی متأسفانه در مطبوعات کشور درج نگردید.